

متن پرسش

سلام استاد بزرگوار: ایام به خیر. استاد من سالها دغدغه ندانستن وظیفه ام را داشتم و همه اش در جا می‌زدم. تا روزی که به لطف خدا حج بیت الله الحرام نصیب شد و وظیفه برایم روشن شد الحمدلله الان مدتی است که وظایف گوناگونی روی دوشم احساس می‌کنم (اعم از مادر داری، همسر داری، بچه داری و وظایف اجتماعی) اما در حد و حدود این وظایف مستأصل شده ام. تا فرزند جدید می‌آوریم نگران نرسیدنم به مادر هستم تا مشغول نوشتن می‌شوم نگران نرسیدن به بچه ها تا مشغول هماهنگی و شرکت در جلسات مرتبط با موضوع جمعیت می‌شوم نگران نرسیدن به همسر و... این گونه است که انکار در حال زندگی نمی‌کنم و در لحظه نمی‌دانم به کدام عمل برسم و چطور بین وظایفم جمع بینم. موقع انجام دادن هر وظیفه نگران وظایف دیگر هستم و به فکر گذشته یا آینده و لذت عمل به وظیفه را نمی‌چشم. استاد میشه بهم وقتی بدهید حضوری در این موضوع خدمت برسم و بیاری خدا قلبم از نور کلامتون روشن بشه؟ ممنون که دعامون می‌کنید. عاقبت تون به خیر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نیاز به ملاقات حضوری نیست. بیشتر باید به حضوری که در سوره مرسلات بحث شد، توجه کرد. به همان معنایی که «کاری از کاری بازمان ندارد» و این یعنی حضور توحیدی که در وصف حضرت حق مولایمان علی «علیه السلام» می‌فرمایند: «لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ» کاری او را از کاری باز نمی‌دارد زیرا در مقام توحید هر چیزی در اندازه خودش مد نظر انسان قرار می‌گیرد. به همان معنایی که عقل و شرع جایگاه هر چیزی را روشن می‌کنند. آری! کار آسانی نیست ولی سلوک توحیدی خود به خود چنین احوالی را برای انسان پیش می‌آورد و حتی به الهاماتی مفتخر می‌گردد. عمده استقرار در همان حالت توحیدی است که به تعبیر آیت الله حسن زاده موجب می‌شود تا «دست در کار و دل با یار» باشد. موفق باشید